



### Research Article

## A Study of the Degree of Sexual Chastity Convergence in the Perspective of the Islamic Seminary Elites and the People of the Society

Saleheh Khodadadi<sup>1</sup>

Raheleh Kardavani<sup>2</sup>

Received: 11/10/2020

Accepted: 09/10/2021

### Abstract

Chastity in the Shari'a means abstinence and restraint of the soul against any extreme carnal desires, and in its specific sense, "sexual chastity" is the abstinence from extreme sexual desires, which is a strong barrier against shaking the foundation of the family and committing transgression and sin. The degree of convergence and common understanding of the concept of sexual chastity among the elites of religious sciences as the context providers of legislation and ordinary people as the followers of the law is of great importance in the executive guarantee and public satisfaction with the law. This study has been conducted in the framework of qualitative research method and thematic analysis. The seminary elites participating in the study were selected in a purposeful manner (authors

---

1. PhD student in Women's Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author). s.khodadai72@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Family, Mehrestan Research Institute, University of Isfahan, Isfahan. Iran Rkardavani@modares.ac.ir.

---

\* Khodadadi, S., & Kardavani, R. (1400 AP). A Study of the Degree of Sexual Chastity Convergence in the Perspective of the Islamic Seminary Elites and the People of the Society. *Journal of Islam and Social Studies*, 9(34), pp. 191-217. DOI: 10.22081/jiss.2021.59043.1709

---

\* Copyright © 2021, Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

---

and experts in the field of sexual chastity) and ordinary people were randomly selected from men and women in Tehran and Qom. The viewpoints of both groups were obtained through semi-structured interviews. Thematic analysis of data was extracted and classified by open coding, axial coding, and selective coding. The Findings indicate that in the concept and realm of sexual chastity between the two groups, there is a relative convergence and in the objective examples of sexual chastity, the degree of convergence is clearly reduced.

**Keywords**

Sexual chastity, convergence, Islamic Seminary elites, people.

### مقاله پژوهشی

## بررسی میزان همگرایی عفت جنسی در دیدگاه نخبگان حوزوی و مردم

صالحه خدادادی<sup>۱</sup>      راحله کاردوانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۲۰      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۷

### چکیده

عفت در شریعت، به معنای خویشتنداری و بازداشتن نفس در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی از محرّمات است و در مفهوم خاص آن «عفت جنسی»، خودداری از تمایلات افراطی جنسی است که سدی محکم در برابر تزلزل بنیان خانواده و ارتکاب به تعدی و گناه است. میزان همگرایی و درک مشترک از مفهوم عفت جنسی میان نخبگان علوم دینی به عنوان بستر سازان قانون گذاری و مردم عادی به عنوان ملتزمان به قانون، از اهمیت به سزایی در ضمانت اجرایی و رضایت مردمی از قوانین برخوردار است. این پژوهش در چارچوب روش تحقیق کیفی و تحلیل موضوعی (تماتیک) انجام شد. انتخاب نخبگان حوزوی شرکت کننده در پژوهش، به شیوه هدفمند (افراد صاحب تألیف و صاحب نظر در حوزه عفت جنسی) و مردم عادی با روش تصادفی از میان زنان و مردان شهرهای تهران و قم صورت گرفت. دیدگاه‌های هر دو گروه به روش مصاحبه نیمه ساختار یافته به دست آمد. تحلیل موضوعی (تماتیک) داده‌ها، با کد گذاری باز، کد گذاری محوری و کد گذاری انتخابی، استخراج و طبقه بندی شد. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در مفهوم و قلمرو عفت جنسی بین هر دو گروه یاد شده، همگرایی نسبی وجود دارد و در بخش مصادیق عینی عفت جنسی، میزان همگرایی به وضوح کاهش می‌یابد.

### کلیدواژه‌ها

عفت جنسی، همگرایی، نخبگان حوزوی، مردم.

۱. دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول). s.khodadai72@yahoo.com  
۲. استادیار گروه خانواده پژوهشکده مهرستان دانشگاه اصفهان، اصفهان. ایران. Rkardavani@modares.ac.ir

\* خدادادی، صالحه؛ کاردوانی، راحله. (۱۴۰۰). بررسی میزان همگرایی عفت جنسی در دیدگاه نخبگان حوزوی و مردم. فصلنامه علمی - پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، ۹(۳۴)، صص ۱۹۱-۲۱۷.

## مقدمه

عفت در مفهوم عام، به حالت نفسانی اطلاق می‌شود که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌گردد و در آموزه‌های قرآن و عترت از فضائل متعالی دینی محسوب شده و مورد توصیه و تأکید فراوان قرار گرفته است. عفت جنسی در مفهوم خاص آن به‌عنوان سدی در برابر تمایلات شهوانی جنسی بیش از سایر مشتقات عفت در منابع دینی مورد تأکید است. عدم توجه به عفت جنسی در فرآیند گذار از زندگی سنتی به مدرن، موجب پدیدایی مشکلات بسیاری مانند: از بین رفتن نهاد خانواده، به دنیا آمدن فرزندان بی‌هویت، سلب حق حیات انسانی از طریق سقط جنین‌های نامشروع، گسترش بیماری‌های مقاربتی، گسترش تجاوز به عنف و هتک حرمت زنان و حتی مردان و رواج همجنس‌گرایی، تخریب نفس، نسل و حتی عقل آدمی را در خواهد شد (میرخانی و صفایی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷).

از آنجا که دیدگاه نخبگان حوزوی در امر سیاست‌گذاری فرهنگی در قوانین بالادستی در فهم و استنباط مفهوم و قلمرو عفت جنسی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است و هر چه همگرایی بین دیدگاه نخبگان حوزوی و عموم مردم بیشتر وجود داشته باشد، امکان اجرایی کردن سیاست‌گذاری در قوانین منتهی به ترویج عفت و افزایش رضایت مردمی در حوزه خواهد شد. بنابراین، فهم میزان همگرایی میان درک عامه از مفهوم عفت جنسی از درک نخبگان حوزوی با توجه به منابع پاسخ‌گویی ایشان (منابع دینی و فقهی) می‌تواند در راستای قانون‌گذاری سیاست‌گذاران فرهنگی با هدف نهادینه کردن عفت جنسی حائز اهمیت است. از این‌روی در پژوهش حاضر از یک‌سو دیدگاه افراد صاحب‌نظر و مولف در مبحث عفت و خاصه عفت جنسی به‌عنوان نخبگان حوزوی و از سوی دیگر، دیدگاه مردم عادی (غیرحوزوی) در حیطه عفت جنسی جمع‌آوری و مورد بررسی قرار گرفت. در واقع مفهوم دقیق، عمیق و وسیع عفت، به‌درستی فهم نمی‌شود و به محض ذکر آن، ذهن‌ها و فکرها به‌سوی حجاب و پوشش اسلامی رفته و به‌نوعی میان مفهوم عفت و حجاب اسلامی و انواع و مصادیق آن دو، به‌نوعی خلط می‌شود؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از منابع عفت و حجاب را مترادف با

یکدیگر و در یک راستا قرار می‌دهند. عده‌ای نیز عفت را صرفاً مخصوص بانوان دانسته و از حوزه تکالیف مردان جدا می‌انگارند (فدایی، ۱۳۹۷، ص ۱۸). بنابراین، با توجه به مفهوم موسع عفت، به‌طور کلی و عفت جنسی به‌طور خاص در منابع دینی و باورهای ذهنی این مقاله در صدد بررسی میزان همگرایی دیدگاه نخبگان حوزوی و مردم جامعه در تبیین مفهوم عفت جنسی است.

## ۱. مفهوم‌شناسی عفت جنسی

### ۱-۱. عفت در لغت

راغب در مفردات می‌گوید: عفت، حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌گردد و انسان کسی است که با تمرین و پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۳۲) همچنین «عفت» در زبان فارسی به معنای پارسایی، پرهیزگاری و پاکدامنی آمده است (عمید، ۱۳۸۱، ص ۸۲۸). ابن منظور می‌گوید: «عفت»، خودنگهداری از غیرحلال، کارهای حرام و طمع‌های پست است و «عفت پیشگی»؛ یعنی خودنگهداری (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ص ۲۵۳).

### ۲-۱. عفت در اصطلاح

عفت در اصطلاح، یک مفهوم اخلاقی است. ملاًصدرا در «اسفار» عفت را چنین تعریف می‌کند: «عفت، منشی است که منشأ صدور کارهای معتدل می‌شود؛ نه پرده‌داری می‌کند و نه گرفتار خمودی می‌شود» (شیرازی، ۱۳۸۹، ص ۳۸۲).

علامه طباطبایی، پس از آن که قوای شهوانی، غضبی و فکری را منشأ اخلاق انسانی برمی‌شمرد، می‌گوید: «حد اعتدال در قوه شهوانی «عفت» و افراط و تفریط در آن «شره» و «خمود» نامیده می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۷). در واقع، عفت عبارت است از: پیدایش حالتی برای نفس که بدان سبب از غلبه شهوت امتناع می‌ورزد و شکم و دامن خویش را از خواسته‌های حرام بلکه مشتبه و نیز از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها و آمیزش‌های ناپسند و از مقدمات و لوازم آنها نیز باز می‌دارد (مشکینی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۵).

### ۱-۳. مفهوم عفت و عفت‌جنسی از دیدگاه کارشناسان دینی

برخی دیگر، عفت را حفظ نفس از تمایلات و شهوات نفسانی آن دانسته‌اند؛ همان‌گونه که تقوا را به معنای حفظ نفس از محرّمات و آنچه موجب گناه می‌شود، گرفته‌اند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ص ۱۸۰). اکبری به نقل از کتاب جامع السعادات نراقی آورده است که «عفت این است که قوه شهوت، مطیع و منقاد عقل باشد؛ در خوردن و نکاح و آمیزش، از حیث کمّ و کیف و از آنچه عقل باز می‌دارد، اجتناب کند. این حد، اعتدال است که در عقل و شرع پسندیده است. دو طرف افراط و تفریط آن ناپسند است که در همه اخلاق و احوال، حد وسط مطلوب است؛ زیرا که خیر الأمور اوسطها» (اکبری‌دستک، ۱۳۹۸، ص ۷۸).

به‌طور کلی، عفت دو مفهوم دارد: یک مفهوم عام، که عبارت است از خویشتنداری در برابر هرگونه تمایل افراطی نفسانی و مفهوم خاص آن هم، خودداری از تمایلات افراطی جنسی یا همان «عفت جنسی» است. هر دو مفهوم عام و خاص آن؛ هم برای زن و هم برای مرد یک ضرورت محسوب می‌شود و اختصاص به جنس زن ندارد. عفت در مفهوم خاص آن (عفت جنسی) بیش از مفهوم عام آن مورد تأکید قرار گرفته است و علت آن این است که شهوت جنسی قوی‌تر از دیگر شهوات است و انسان در این امور بیشتر در معرض خطر و سقوط قرار می‌گیرد و اعتدال در این امور دشوارتر است (احمدی سلمانی، ۱۳۸۴، ص ۹۲). در واقع، «عفت جنسی»، یکی از گرایش‌های فطری انسانی است که آثار آن نظارت بر غرایز و تمایلات جنسی در مواردی است که شهوت، قصد سرکشی، تعدی و طغیان دارد؛ ملکه عفت، مانند سدی محکم در برابرش ایستاده و از تجاوز و گناهکاری آن جلوگیری می‌کند» (فلسفی، ۱۳۴۲، ص ۳۶۰).

### ۲. پیشینه نظری پژوهش

از میان مقالات و کارهای پژوهشی صورت گرفته در این زمینه، موردی که بخواهد میزان همگرایی دیدگاه قشر حوزوی و مردم عامه در مفهوم عفت جنسی را بررسی کند، یافت نشد. به‌طور کلی، علی‌رغم اهمیت مسئله‌ی عفت جنسی، پژوهشی در این

زمینه با استفاده از روش‌های کیفی یافت نشد. مطابق بررسی‌های صورت گرفته، مقاله جایگاه «عفت جنسی» در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده، از دکتر میرخانی و صفایی، مقاله‌ای است که به بررسی جایگاه عفت جنسی در جامعه و نقش آن در تحکیم خانواده به روش کتابخانه‌ای پرداخته است. همچنین اکبری در مقاله: «عفت، خاستگاه و گستره آن از نگاه قرآن و حدیث» و فدایی در مقاله: «استعمال الفاظ جنسی» در سبک‌های ارتباط کلامی در محک اخلاق»، به بررسی واژه عفت در معنای اعم آن در منابع دینی و در بخش‌های محدودی به تبیین عفت در مباحث جنسی پرداخته‌اند. همچنین باقری و همکاران در مقاله «الزامات همسویی نهادهای سیاست‌گذار و اجرایی در فرایند خط مشی‌گذاری فرهنگی عفت و حجاب»، به دنبال یافتن اثبات لزوم دخالت نهادهای نظارتی بر مسئله عفت بودند.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل موضوعی یا تحلیل تماتیک به‌عنوان یک روش تحلیل داده‌های کیفی که مبتنی بر کُدگذاری و تحلیل داده‌ها برای الگویابی داده‌هاست (محمدپور، ۱۳۹۲، ص ۶۶). با استفاده از تکنیک مصاحبه نیمه‌ساختار یافته از نخبگان حوزوی مسلط بر موضوع عفت جنسی از منظر دین به‌عنوان گروه اول، و مردم جامعه به‌عنوان گروه دوم تا حد اشباع نظری انجام پذیرفت. سپس با طی فرایند؛ کُدگذاری باز، کُدگذاری محوری و کُدگذاری انتخابی مفهوم عفت جنسی، حدود و مصادیق آن از دیدگاه نخبگان حوزوی و مردم عادی جامعه استخراج گردید. نمونه‌گیری از نخبگان حوزوی از روش مبتنی بر هدف (نمونه‌گیری هدفمند) به کار گرفته شد. به‌طور کلی، مفهوم نمونه‌گیری هدفمند در پژوهش‌های کیفی بدین معناست که پویشگر افراد پژوهش را از این‌رو برای مطالعه انتخاب می‌کند که می‌توانند در فهم مسئله پژوهش موثر باشند (کرسول، ۱۳۹۶، ص ۱۵۴).

در نمونه‌گیری هدفمند، افراد مطلع کلیدی در پژوهش باید مشخصاتی داشته باشند؛ از جمله: دانش و تجربه مورد نیاز پژوهشگران را دارا باشند؛ قادر به بازتاب دانش خود

باشند؛ بیان روشنی داشته و برای مصاحبه زمان کافی بگذارند و نیز مایل به شرکت در پژوهش باشند (فلیک، ۱۳۹۷، ص ۳۲۳). بنابراین، در بخش مصاحبه با قشر حوزوی از روش نمونه‌گیری هدفمند با لحاظ ویژگی‌های یادشده در انتخاب مصاحبه‌شوندگان استفاده گردید که طی آن افراد دارای تجربه در حوزه دین و صاحب اثر در مبحث عفت انتخاب شدند، تا پژوهشگران مطمئن باشند که افراد دعوت‌شده به مصاحبه دارای علم و اطلاعات کافی در مورد موضوع موردنظر بوده و به عبارتی، صاحب نظر هستند. در نتیجه، جامعه آماری نخبگان حوزوی در این پژوهش، شامل صاحب‌نظران حوزوی مسلط بر موضوع عفت جنسی بوده که از این میان، تعداد ۱۵ نفر با روش مبتنی بر هدف و با ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته برای دستیابی به نظرات صاحب‌نظران استفاده شد.

جامعه مورد مطالعه مردم عادی نیز ۲۰ نفر، از میان زنان و مردان شهرهای تهران و قم در بازه سنی ۲۰ تا ۵۰ سال از اقصای مختلف جامعه با روش نمونه‌گیری تصادفی که به‌عنوان نوع دوم روش نمونه‌گیری اصلی (فلیک، ۱۳۹۷، ص ۳۲۱) انتخاب شدند و در هر دو گروه تا حد اشباع داده و اشباع نظری با روش مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد. در واقع، پاسخ‌دهندگان گروه مردمی جامعه ۶۰ درصد زن و ۴۰ درصد مرد بودند. ۳۹ درصد از پاسخ‌دهندگان، دارای تحصیلات کارشناسی، ۴۰ درصد، کارشناسی ارشد و ۲۱ درصد، دکتری داشتند و ۶۵ درصد از پاسخ‌گویان، شاغل و ۳۵ درصد نیز غیرشاغل بودند.

در این پژوهش سعی شد به‌منظور بررسی میزان همگرایی نخبگان حوزوی و سایر مردم جامعه در مفهوم عفت جنسی، پرسش‌ها با هدف دستیابی به باورهای افراد جامعه و نخبگان حوزوی از عفت جنسی طرح شوند و بر مبنای پرسش‌های زیر، شرکت‌کنندگان مورد مصاحبه قرار گرفتند: ۱- مفهوم عفت جنسی از منظر شما چیست؟ ۲- قلمرو عفت جنسی از منظر شما کجاست؟ ۳- مصادیق بی‌عفتی جنسی از دیدگاه شما کدام است؟

پرسش‌های مذکور برای نخبگان حوزوی از منظر منابع دینی (آیات و روایات) مورد پرسش قرار گرفت.



#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### ۴-۱. بررسی مفهوم عفت جنسی از دیدگاه مردم و نخبگان حوزوی

دیدگاه‌های مردم جامعه در پاسخ به پرسش «مفهوم عفت جنسی از نظر شما چگونه معنا می‌شود؟» به شرح جدول (۱) جمع‌بندی می‌شود.

جدول (۱). تعریف مفهوم عفت جنسی از دیدگاه مردم

مصدق	مقوله فرعی	مقوله اصلی	ردیف
به مسائل جنسی عمیقاً فکر نکردن	خوددار بودن		
عشوه نکردن تتوهای خاص نکردن موضع خاص را پیرسینگ نکردن <sup>۱</sup>	پذیرش تمایزها بین دو جنس و رد نکردن خطوط قرمز که در ظاهر هم می‌تواند بروز داشته باشد	حیای درونی	۱
	کسی که در عرف، هنجارشکنی در موضوع‌های جنسی نکند		
عدم نگاه خیره، چشمک زدن، عدم نگاه به اندام جنسی	وارد نشدن به حریم دیگران با چشم	حجب و حیا در نگاه	۲
الفاظ جنسی به کار نبردن	وارد نشدن به حریم دیگران با کلام	حجب و حیا در کلام	۳

۱. پیرسنگ کردن: سوراخ کردن بدن و نصب اشیای زینتی در آن.

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مصادیق
۴	حجب و حیا در پوشش	رعایت پوشش مدنظر عرف و قانون	پوشش نسبی موی سر
		حجب و حیا در انتخاب لباس مخفی کردن اندام جنسی با لباس	لباس چیغ و تنگ و بدن نما استفاده نکردن پوشیدن روسری بلندتر لباس تنگ نپوشیدن
۵	حجب و حیا در روابط	حجب و حیا در روابط غیر جنسی	عدم رابطه با هر فردی حریم فاصله (فیزیکی و غیر فیزیکی) را رعایت کردن عدم صمیمیت بیش از حد با جنس مخالف
		حجب و حیا در روابط جنسی	در چارچوب قرارداد مسائل جنسی بر اساس عرف مدیریت امیال جنسی رعایت مسائل جنسی بین زن و مرد با هر کسی رابطه جنسی برقرار نکردن بازگونکردن روابط خصوصی بین زن و شوهر

جدول (۱)، نشان می‌دهد که مردم عادی عفت جنسی را دارای مراتب مختلفی می‌دانند که از حُجب و حیاء درونی، حُجب و حیاء در فکر، کلام، نگاه آغاز می‌شود تا حُجب و حیا در پوشش و رفتار (اعم از رفتار غیرجنسی و رفتار جنسی) که آخرین مرحله رعایت عفت است، ادامه می‌یابد. در این میان، برخی از مقوله‌های فرعی استنادشده در تشریح مفهوم عفت جنسی از دیدگاه مردم با یکدیگر هم‌پوشانی دارند، اما به سبب تکرار حاکی از اهمیت موضوع، باید در مقوله‌های جداگانه قرار می‌گرفتند. برای مثال، در مصادیق مربوط به حُجب و حیای درونی به پوششی که بتواند اندام جنسی را از معرض دید دیگران پنهان کند، اشاره شده است و بار دیگر در مقوله‌ای جداگانه، به حُجب و حیا در پوشش اشاره شده که برخی از مصادیق دارای تشابه نسبی هستند. در واقع، این موضوع نشان از وجود رابطه بین عفت جنسی و پوشش در ذهنیت مردم دارد؛ حتی برای افرادی که تعریف ایشان از پوشش عقیفانه باحجاب کامل مغایرت داشته باشد.

همچنین می‌توان گفت بر اساس مصادیق ذکرشده، جلب توجه کردنی که بخواهد سبب برانگیختگی تمایلات جنسی به خصوص در جنس مخالف باشد، در ذهن افراد وجود دارد که از مصادیق عدم رعایت عفت جنسی است و البته برای افراد مهم بود که مصادیقی که به آنها اشاره دارند، وابستگی خود را نسبت به عرف از دست ندهد؛ بنابراین این خودداری، نباید محدود به ظاهر و به تبع آن پوشش باشد. در نتیجه، از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان مردمی، حیای درونی نسبت به بروز آن در ظاهر فرد اولویت دارد.

گروه دوم پاسخ‌گویان که شامل نخبگان دینی هستند، پرسش فوق را از منظر دین (براساس منابع دینی) مورد ارزیابی قرار داده که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود. نخبگان حوزوی در تعریف عفت جنسی آن را دارای معانی زیر می‌دانند.

جدول (۲): تعریف مفهوم عفت جنسی از دیدگاه نخبگان حوزوی

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	نحوه ارتباط	نحوه رفتار
		نحوه پوشش
		نحوه گفتار
۲	پرهیزگاری	نوعی پرهیزگاری از تحریک عواطف به ویژه عواطف جنسی طرف مقابل
		پرهیزگاری در پوشیدن لباس
		پرهیزگاری در گفتار و به کاربردن الفاظ جنسی و تحریک کننده
۳	خویشترداری	پرهیزگاری در حرکات بدن و به کاربردن حرکات بدنی تحریک کننده
		خویشترداری از مواردی که شرعاً و قانوناً از او انتظار می رود
		خویشترداری برای اینکه رابطه جنسی خلاف شرع صورت نگیرد
۴	تأمین خواسته های طبیعی و فطری انسان در مسیر شریعت	خویشترداری از باب مقدمه حرام
۵	عفت در مقابل شهوات قرار دارد و شهوات، خواهش های مختلف انسان در زمینه های مال، فرزند، همسر، مقام و ثروت و مانند آن است.	

نخبگان حوزوی، عفت جنسی را در نحوه ارتباط در حوزه های پوشش، گفتار، رفتار و کنش های ارتباطی برمی شمردند که این مدل، شامل پرهیزگاری در هر یک از حوزه های فوق می شود. بنابراین، خویشترداری در هر کاری که بتواند مقدمه فعل حرام را سبب شود؛ یعنی فعلی که در ظاهر حرام نیست ولی احتمال داده می شود که بتواند سبب وقوع فعل حرام شود، در تعریف خویشترداری باید از آن فعل دوری گزید. همچنین این افراد بیان می کنند که قرآن، عفت را در مقابل شهوات قرار داده است و شهوات، خواهش های مختلف انسان در زمینه های: مال، فرزند، همسر، مقام و ثروت و مانند آن است و یکی از مصادیق شهوت، خواسته های جنسی می باشد.

در مقایسه دو جدول فوق، با توجه به پاسخ های دو گروه در مورد مفهوم عفت جنسی

به نظر می‌رسد مردم تا حدودی مفهوم وسیع‌تری برای عفت جنسی قائل هستند و آن را با مصادیق بیشتری نشان دادند و در توضیح آن به مواردی اشاره می‌کنند که در مفهوم عفت جنسی از دیدگاه نخبگان حوزوی لزوماً قرار ندارد، بلکه با توجه به جایگاه عفت و مباحث جنسی در فرهنگ و عرف مدنظرشان به تشریح واژه مرکب عفت جنسی پرداخته‌اند.

#### ۲-۴. بررسی قلمرو عفت جنسی از دیدگاه مردم و نخبگان حوزوی

دیدگاه‌های مردم جامعه در پاسخ به پرسش «حدود و ثغور (قلمرو) عفت جنسی از نظر شما چیست؟» به شرح جدول (۳) ارائه می‌شود.

جدول (۳). قلمرو عفت جنسی از دیدگاه مردم

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	بای ناپلی	رعایت اخلاقیات مدنظر جامعه
		داشتن حُجب و حیا
		پاکدامنی فردی
۲	بای ظاهری	داشتن تعهد جنسی به طرف مقابل
		نداشتن صیغه‌های متعدد و ارتباط با چند نفر در آن واحد
		دست‌دادن بستگی به رضایت طرف مقابل دارد و امری نسبی است
		حجاب مو امری نسبی محسوب می‌شود
		میزان صمیمیت با جنس مخالف، بستگی به رضایت طرف مقابل و محیط اجتماعی و عرف دارد.
		الزاماً هر کس باحجاب است، عقیف نیست و هر کس بی‌حجاب است، بی‌عفت نیست
		کسی که به لحاظ ذهنی فاحشه است، از فاحشه واقعی بدتر است
		آزادی تا جایی که مزاحمتی برای دیگران ایجاد نشود و رضایت فرد زیرپا گذاشته نشود

جدول (۳)، حکایت از این دارد که مردم جامعه در بیان قلمرو عفت جنسی آن را دارای دو بُعد؛ درونی و بیرونی می‌دانند و حیای درونی را با بیان مفاهیمی چون پاکدامنی، حیای باطنی و حجب و حیا مترادف دانسته و حیای ظاهری یا رفتاری را نیز تا حد زیادی شخصی و نسبی می‌دانند و به اجتهاد فردی در زمان و مکان مختلف و عرف جامعه اعتقاد دارند. بنابراین، عدم پوشش کامل سر و یا دست‌دادن به نامحرم را دلیل بر انجام فعل غیرعقیفانه نمی‌دانند، بلکه به مفهوم آن در عرف و نیت افراد وابسته می‌دانند و یا محجبه بودن ظاهر افراد را لزوماً دلیل بر دارابودن حیای باطنی نمی‌دانند بلکه معتقدند صرفاً می‌تواند اماره‌ای بر وجود حیای درونی باشد. همچنین معتقدند؛ عفت جنسی تا زمانی که آزادی افراد منجر به برهم زدن امنیت و مزاحمت برای دیگران نشود، رعایت شده است؛ پس نیازی به محدودیت آزادی افراد به هر بهانه‌ای نیست. نخبگان حوزوی در پاسخ به قلمرو عفت جنسی در دین چنین پاسخ داده‌اند:

جدول (۴): قلمرو عفت جنسی از دیدگاه نخبگان حوزوی

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مصادیق
۱	مفهوم عفت اخلاقی	اخلاق، امر درونی است و به حالات نفسانی که انزجار از امری ایجاد کنند، گفته می‌شود.	خوف و رجا نسبت به محاسبه اعمال در آخرت، تأثیر مستقیم بر عفت رفتاری دارد.
			کسی که از خدا می‌ترسد، کار غیرعقیفانه نمی‌کند.
			غیرت نسبت به ناموس
			حیا
۲	مفهوم عفت رفتاری	اجتناب عملی از مسائلی که منافات با ارزش‌های جنسی دارد.	عفت فردی مطابق احکام
			تشویق به روابط در چارچوب ازدواج (اعم از ازدواج دائم یا موقت)
			عفت اجتماعی (به‌عنوان ریشه اخلاق) بر اساس شریعت اسلام

این گروه، قلمرو عفت را دارای قلمرو اخلاقی از دیدگاه علما و قلمرو رفتاری از دیدگاه فیلسوفان اسلامی می‌دانند و معتقدند؛ هر آنچه از اصول اخلاقی همانند: خوف و رجاء، غیرت، حیا و مانند آن انسان را از پرداختن به امور جنسی باز دارد، در حیطه و قلمرو اخلاقی عفت جنسی قرار می‌گیرد و مقدمه و ریشه رفتار اخلاقی محسوب می‌شود. همچنین مفهوم عفت جنسی رفتاری را دارای قلمرو فردی و اجتماعی می‌دانند که در قلمرو فردی و عفت فردی اعمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد که انفراداً منجر به خدشه‌دار شدن عفت می‌شود که از جمله مصادیق آن، خود ارضایی است، اما دامنه شمول آن اندک می‌باشد و بیشترین دامنه عفت جنسی در حیطه اجتماعی و در رابطه با افراد اعم از همجنس یا غیرهمجنس است. در واقع، نحوه تخصیص زدن نخبگان حوزوی در تعیین قلمرو عفت جنسی با مردم از این حیث مشابه است.

بنابراین، با مقایسه دو جدول فوق می‌توان گفت؛ مردم در توصیف حوزه عفت جنسی بسیاری از شاخصه‌های مدنظرشان را با توجه به عرف و تجربه زیسته خود، امری نسبی و وابسته به فرهنگ می‌دانند؛ به نحوی که مواردی چون پیدا بودن موی سر در مقابل دیگران بدون لحاظ مسئله محرمیت و نیز دست‌دادن با غیرمحارم را بدون لحاظ حرمت شرعی، امری غیرعقیفانه تلقی نمی‌کردند. به این صورت که در دیدگاه مردمی، فعلی از قلمرو عفت جنسی خارج است که فاعل آن تلقی سوءاستفاده جنسی در قالب استمتاع جنسی؛ آن‌هم بدون قید رضایت طرف مقابل را داشته باشد. مسئله رضایت افراد در روابط، آن‌چنان در دیدگاه مردمی حائز اهمیت است که در غالب روابط اجتماعی خط تمایز بین عقیفانه و غیرعقیفانه بودن یک فعل را عنصر رضایت می‌دانند.

این در حالی است که از دید نخبگان حوزوی، دیدگاه عرف تعیین‌کننده حدود و ثغور قلمرو عفت جنسی نمی‌تواند باشد. این امر تا آن‌جا حائز اهمیت است که از دیدگاه بسیاری از نخبگان شرکت‌کننده در مصاحبه، لحاظ عنصر عرف برای صدور احکام در برخی از حوزه‌های اجتماعی امکان‌پذیر است اما اجازه ورود عرف برای شکل‌دهی به قلمرو عفت؛ آن‌هم به نهاد تخصیص خورده آن؛ یعنی حوزه عفت جنسی امری بسیار خطیر تلقی می‌شود. بنابراین، عینیت بخشی به قلمرو عفت جنسی بیش

از سایر حوزه‌ها باید در چارچوب توصیه‌های فقهی و احکام شرعی باشد؛ زیرا با توجه به تغییرات جدی در دیدگاه عامه مردم، نسبت ارتباطات با جنس مخالف و مباحث مربوط به آن بازنگری در احکام مربوط به روابط مورد تایید حوزه فقاہت نخواهد بود.

همچنین عنصر رضایت مردمی از دیدگاه نخبگان حوزوی در تعیین قلمرو عفت جنسی جایگاهی ندارد و آنچه باید شاخص تعیین مرزهای عفت جنسی قرار گیرد، توجه به وجود رضایت شارع مقدس در افعال فردی و اجتماعی در مبحث عفت جنسی است که تشخیص وجود رضایت الهی نیز در رعایت کردن احکام شریعت است.

#### ۳-۴. بررسی مصادیق بی‌عفتی جنسی از دیدگاه مردم و نخبگان حوزوی

پاسخ‌گویان در پاسخ به این پرسش که «مصادیق بی‌عفتی جنسی را در چه چیزهایی می‌دانند؟» پاسخ‌های خود را به شرح جدول (۵) ارائه داشته‌اند.

جدول (۵). مصادیق بی‌عفتی جنسی از دیدگاه مردم

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۱	هرزگی در ظاهر	پوشش جلف و زننده، رنگ جیغ
		ارایش غلیظ
۲	هرزگی در نگاه	هیزبودن (خیره شدن)، داشتن نگاه ناپاک؛ حتی بدون خیره ماندن
		نگاه مرد به مظاهر جنسی زن (اعضای بدن)
		نگاه بد (معنی دار) آقایان به زنان به طور کلی
۳	هرزگی در شنیدن	تماشای فیلم‌های پورن و کلیپ‌ها و سایر فیلم‌های تحریک‌کننده
		شنیدن داستان‌های جنسی، جوک‌های جنسی
۴	هرزگی در ذهن	تخیل روابط جنسی (زنا‌ی ذهنی)، فکر کردن درباره چگونه تور کردن جنس مخالف (نقشه کشیدن)



ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۵	هرزگی در زبان	متلك جنسى انداختن
		بگو و بخند با جنس مخالف، یا خنده‌های بلند و تحریک کننده
		سکس کلامی
		شوخی‌های نامناسب جنسی
		حرف‌ها و مکالماتی که نماد جنسی یا جنسیتی دارند (فحش‌های جنسیتی؛ مثل ضعیفه)
		با تغییر صدا و حرف زدن باعث جلب توجه و تحریک جنس مخالف شدن
۶	هرزگی رفتار	دراز کردن پاها و نشان دادن آن در محیط عمومی
		دراز کشیدن مردان در محیط عمومی به نحوی که لباس زیر و بدن معلوم است
		صمیمیت بیش از حد با جنس مخالف
		دوستی پسر و دختر
		تماس بدنی با جنس مخالف
		رفتار غیرعادی افراد؛ مثلاً در تاکسی چسبیدن مرد به زن
		عورت‌نمایی مردان
		لمس اعضای جنسی زن توسط مرد حتی از روی لباس
		عدم رعایت پوشش (نسبی) در مکان‌های عمومی
		شماره تلفن دادن یا گرفتن برای سکس چت
ایجاد جذابیت برای جنس مخالف با حالات بدن		
۷	هرزگی جنسی	رابطه خاص با همجنس و غیرهمجنس
		تجاوز و آزار جنسی

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی
۸	هرزگی در فضای مجازی	خیانت به همسر، دوست و... (به هرشکلی مثل صیغه کردن و چندین ارتباط برقرار کردن)
		ارتباط خاص جنسی داشتن برای حفظ بکارت
		دختر یا پسر کامنت می گذارند؛ صیغه می کنم و یا ارتباط برقرار می کنم
		عکس های خاص پروفایل که بخواد دلیل مکالمه با مباحث جنسی باشد
		فرستادن جوک ها و داستان های جنسی
		ارسال و تقاضای عکس های نیمه برهنه برای ارتباط جنسی در فضای مجازی (سکس چت)

پاسخ گویان همانند دسته بندی مفهوم عفت جنسی، مصادیق را نیز دارای تنوع می دانند و معتقدند کسانی که عفت را رعایت نمی کنند، از اعمال و رفتار مختلفی برای نشان دادن بی عفتی خود استفاده می کنند که می توان آن را در ظاهر، نگاه، کلام، ذهن، شنیدن، رفتارهای غیرارتباطی جنسی و رفتارهای ارتباطی جنسی خلاصه کرد. اما در میان این مصادیق، هرزگی در فضای مجازی نیز دارای انواع مختلف فوق به جز ملامسه و ارتباط فیزیکی می باشد و همه مصاحبه شوندگان به هرزگی در فضای مجازی با مصادیق مختلف اشاره کردند. آنچه مشخص است از دیدگاه مردم، مصادیق عفت جنسی تنها در روابط عاطفی و جنسی؛ آن هم با جنس مخالف خلاصه نمی شود و در نتیجه آن حتی اگر کسی با جنس مخالف هیچ نوع رابطه جنسی هم نداشته باشد اما در ذهنش بدون هیچ علامت خاصی به موضوعات مرتبط با مباحث جنسی فکر کند، فرد عیفی به لحاظ جنسی نیست.

نخبگان حوزوی در پاسخ به پرسش «مصادیق بی عفتی جنسی از دیدگاه دینی» پاسخ های خود را به شرح زیر بیان نمودند.

جدول (۶): مصادیق بی‌عفتی جنسی از دیدگاه نخبگان حوزوی

ردیف	مقوله اصلی	مقوله فرعی	مصدق
۱	رفتار فردی	جنبه سلبی	خودارضایی
۲	رفتارهای ارتباطی	ارتباط با هم‌جنس	مرد با مرد (لواط)
			زن با زن (مساحقه)
		ارتباط با غیرهم‌جنس (بدون محرمیت)	ارتباط لمسی (تقبیل و مضاجعه) ارتباط بویایی (استعمال و بوکردن رایحه خوش جنس مخالف) ارتباط عاطفی ارتباط جنسی

از نظر نخبگان حوزوی، بیش از ده‌ها نمونه مصداق رعایت عفت جنسی در قرآن و روایات ذکر شده است که به‌طور کلی، می‌توان آن‌ها را در دو دسته رفتارهای انفرادی و رفتارهای ارتباطی (اجتماعی) خلاصه نمود. رفتارهای ارتباطی می‌تواند با هم‌جنس یا غیرهم‌جنس صورت پذیرد که دارای سه نوع ارتباط مرد با مرد، ارتباط زن با زن و ارتباط مرد و زن است و هر یک از این سه دسته ارتباطی، ممکن است دارای انواع مصادیق بصری، سمعی، لمسی، بویایی، عاطفی و یا جنسی شود که بیشترین نمونه‌های آن در منابع دینی مربوط به ارتباط دو غیرهم‌جنس می‌شود. اما نکات قابل توجه در سخنان نخبگان حوزوی حصری نبودن مصادیق ذکر شده در متون دینی است به‌نحوی که حدود و مرزهای عفت جنسی نیز در منابع دینی به‌روشنی مشخص نشده است، بلکه به حد ریه و تلذذ اکتفا شده است. برخی نیز چنین استنباط نموده‌اند که این احکام نسبی بوده و بسته به شرایط زمانی و مکانی، دامنه آن تا حدودی در برخی از مصادیق می‌تواند تغییر کند؛ البته تغییر تا جایی است که با اصل حکم در تعارض نباشد، به‌نحوی که گاه از باب مقدمه حرام، حرام می‌شود و گاه مصالح اجتماعی، علت عدم جواز آن رفتار می‌شود؛ حتی اگر حکم رفتار لزوماً حرام نباشد.

از مقایسه دو جدول فوق، چنین برمی آید که گروه مردم به مصادیقی برای تشریح بی‌عفتی جنسی اشاره دارند که از دیدگاه نخبگان حوزوی این مصادیق به‌طور کلی در نظر باید گرفته شود به این صورت که هر فعلی که در چارچوب شریعت عمل غیرعقیفانه تلقی شود؛ اگر حرام هم نباشد، می‌تواند مقدمه حرام باشد؛ پس باید از آن دوری کرد و این دوری کردن از تمایلات نفسانی، ارتباطی به محیطی که فرد در آن قرار دارد و میزان و امکان دسترسی افراد به یکدیگر ندارد. بنابراین، ارتباط عاطفی دو غیر هم‌جنس در فضای مجازی، صرف این که دو نفر مطمئن هم باشند ارتباطشان حضوری نخواهد شد، دلیل بر جواز و یا دوری نکردن از آن است. نکته‌ای که بین مصاحبه‌شوندگان در گروه مردمی وجود دارد اینکه؛ اگر ارتباط مجازی صرفاً در حالت خاصی چون؛ سکس‌چت و یا موارد مشابه بود، عمل غیرعقیفانه تلقی می‌شود و ارتباط عاطفی و دوستانه لزوماً عمل غیرعقیفانه نیست.

همچنین از دیدگاه مردمی، رابطه جنسی به‌صورت ازدواج موقت؛ علی‌رغم حلیت مسئله در شرع، برای مردان متأهل خیانت محسوب می‌شود و از آن به‌عنوان یک عمل غیرعقیفانه یاد می‌شود. در واقع، هر عملی که در عرف از آن به خیانت در روابط یاد شود، یک فعل غیرعقیفانه است و از این جهت بین زن و مرد فرقی نیست. در حالی که بین نخبگان حوزوی، رابطه جنسی؛ وقتی عملی حرام و به‌تبع غیرعقیفانه است که بین دو نفر بدون صیغه محرمیت برقرار شده باشد. در واقع، از نقطه‌نظر ایشان، ازدواج موقت برای مردان متأهل ممکن است در برخی موارد به‌لحاظ اخلاقی درست نباشد، اما به هیچ عنوان نمی‌توان گفت؛ بی‌عفتی جنسی رخ داده است. در مقابل از دیدگاه نخبگان حوزوی، فعل استمناع (خودارضایی) عملی مذموم و غیرعقیفانه است که در مقام قیاس از جهت انزجار از فعل، می‌تواند با فعل صیغه کردن از دیدگاه مردم مقایسه شود.

## ۵. تحلیل بحث

تحولات اجتماعی سال‌های اخیر در سطح جهانی، به تدریج، ابعاد متفاوتی به خود گرفته‌اند و جامعه ایران نیز با تحولات چشم‌گیری در حوزه ارزش‌ها و باورهای نسل

جوان مواجه است و تغییر نگرش‌ها، رفتارهای افراد را نیز تحت تأثیر خود قرار داده‌است. یکی از این تغییرات در حوزه ارتباطات اجتماعی، به‌خصوص ارتباط دو جنس زن و مرد، فاصله گرفتن تعریف عفت جنسی در جامعه امروزی از تعاریف سنتی جامعه ایران است. این در حالی است که از دیدگاه اسلامی، تنها راه مشروع و پسندیده ارضای غریزه جنسی، همسرگزینی است که از یک‌سوی کارکرد غریزی و اشباع نیاز جنسی را در پی دارد و از سوی دیگر، سلامت اخلاقی، روحی، ثبات و ماندگاری نهاد خانواده، تداوم نسل بشری و تربیت افراد و جامعه عقیف را ثمر می‌دهد. همچنین مطابق برخی گزاره‌های به دست رسیده و اذعان برخی از صاحب‌نظران غربی، به جهت اهمیت تنظیم کنش‌های رفتاری در چارچوب عفت جنسی در کشورهای غربی، به تدریج در غرب نسلی در حال شکل‌گیری است که خواسته‌هایش با گذشتگان متفاوت است؛ نسلی که از آزادی‌های بی‌حد و حصر به ستوه آمده و می‌خواهد طعم شیرین فطرت را دوباره بچشد. نسلی که می‌خواهد سبک زندگی و نوع پوشش خود را تغییر دهد و با خویشنداری، زندگی عقیفانه‌ای را در پیش بگیرند و روابط جنسی را تا شروع زندگی دائمی با همسرشان به تعویق بیندازند (شلیت و لی‌دموس، ۱۳۸۹، ص ۱۳). در واقع، نهضتی در غرب با عنوان خود مهارگری جنسی تا ازدواج<sup>۱</sup> مطرح شده است که بر اساس آن بودجه‌هایی برای آموزش پرهیزگاری و عفت در سیستم آموزشی ایالت‌های آمریکا تخصیص داده شده است (زارعی و چراغیان، ۱۳۹۸، ص ۱۴).

نتایج پژوهش در ارتباط با پرسش اول؛ «مفهوم عفت جنسی از دیدگاه مردم و نخبگان حوزوی» نشان می‌دهد که مردم جامعه، عفت جنسی را دارای مراتب مختلفی می‌دانند که از حیا و شرم درونی، حیا و شرم در فکر، کلام، نگاه آغاز و تا حیا و شرم در پوشش و رفتار (اعم از رفتار جنسی و غیرجنسی) که آخرین مرحله بی‌عفتی است، ادامه می‌یابد. حیا و شرم درونی با نوعی خودداری و جلوگیری از هنجارشکنی همراه است. همچنین، عفت جنسی در حوزه فکر به کنترل ذهن، عفت نگاه

1. Abstinence-Until-Marriage (AUM)

و کلام با رعایت حریم مخاطبان و عدم ورود به حریم آن‌ها معنا می‌یابد و عفت در پوشش هم با رعایت نوع پوشش تعریف شده است، اما بیشترین حجم پاسخ‌های مردم عادی به رعایت عفت جنسی در ارتباطات فیزیکی مرتبط بوده و عدم صمیمیت با جنس مخالف و مدیریت رابطه جنسی و عدم ارتباط با هر کسی را مصداق عفت جنسی می‌دانند و رازداری و تعهد به شریک جنسی را از اصول مسلم رعایت عفت جنسی برمی‌شمرند.

در همین پرسش نخبگان حوزوی عفت جنسی را مدل ارتباطی در حوزه‌های پوشش، گفتار، رفتار و کنش‌های ارتباطی برمی‌شمرند که این مدل، شامل پرهیزکاری در حوزه فوق می‌شود و نیز خویشنداری در هر کاری که مقدمه حرام یا فعل حرام را سبب شود. همچنین این افراد بیان می‌کنند؛ قرآن، عفت را در مقابل شهوات قرار داده و شهوات، خواهش‌های نفسانی مختلف انسان در زمینه‌های: مال، فرزند، همسر، مقام، ثروت و مانند آن است و خواسته‌های جنسی یکی از مصادیق شهوت می‌باشد.

از مقایسه تعاریف این دو گروه چنین برمی‌آید که حوزه‌های پوشش، گفتار، رفتار و کنش‌های ارتباطی در هر دو گروه، به‌عنوان دامنه تعریفی عفت جنسی برشمرده شده، اما مردم عادی، حیطه ذهنی و فکری را نیز به‌عنوان بخشی از حوزه عفت جنسی تعریف کرده‌اند. علما نیز در پاسخ به این پرسش که آیا فکر و نیت می‌تواند گناه باشد یا خیر؟، نظرات مختلفی ارائه نموده و چنین بیان داشتند که باید دید؛ آیا تجری<sup>۱</sup>، گناه است یا خیر؟ در این میان شیخ انصاری می‌گوید: تجری، گناه نیست اما فرد متجری، قابل مذمت است و معتقد است؛ هر چند با عفت منافات دارد، اما به اندازه‌ای نیست که مستحق عقاب باشد و این در حالی است که مرحوم آخوند خراسانی و پیروانش اعتقاد دارند، تجری بر افراشتن پرچم طغیان در برابر خداست و عقاب دارد و لذا علما در عدم رعایت عفت جنسی در ذهن قائل به تفصیل شده و شقوق آن را گاهی

۱. تجری یا شروع به جرم، عبور از قصد مجرمانه و عملیات مقدماتی ورود به مرحله اجرایی است؛ به صورتی که متصل به جرم باشد (اردبیلی، ۱۳۸۲، ص ۵۸).

تا ده حالت برشمرده‌اند که این فرد در ذهن خود با چه کسی خلوت می‌کند و چه عملی را انجام می‌دهد؛ در برخی موارد، گناه نبوده، اما برخی شقوق آن به شدت نهی شده است.

نتایج پژوهش در پرسش دوم که قلمرو عفت جنسی را به پرسش گذاشته است، نشان می‌دهد مردم جامعه در بیان قلمرو عفت جنسی آن را دارای دو بُعد: درونی و بیرونی می‌دانند و بُعد درونی را با بیان مفاهیمی؛ همچون پاکدامنی، حیای باطنی و شرم و حیا مترادف دانسته و بُعد بیرونی یا رفتاری را نیز تا حد زیادی شخصی و نسبی می‌دانند و به اجتهاد فردی در زمان و مکان مختلف و عرف جامعه اعتقاد دارند و معتقدند؛ عفت جنسی تا زمانی که آزادی افراد منجر به برهم زدن امنیت و مزاحمت برای دیگران نشود، رعایت می‌شود.

در مقابل، گروه نخبگان حوزوی، قلمرو عفت را دارای قلمرو شرعی از دیدگاه فقها و قلمرو رفتاری از دیدگاه فیلسوفان اسلامی می‌دانند و معتقدند؛ هر آنچه از اصول اخلاقی همانند: خوف و رجاء، غیرت، حیا و مانند آن، انسان را از پرداختن به امور جنسی باز دارد، در حیطه و قلمرو شرعی عفت قرار می‌گیرد که مقدمه و ریشه رفتار محسوب می‌شود. مفهوم عفت جنسی، رفتاری را نیز دارای قلمرو فردی و اجتماعی می‌دانند که در قلمرو فردی و عفت فردی اعمالی مورد بررسی قرار می‌گیرد که به‌طور انفرادی منجر به خدشه‌دار شدن عفت می‌شود که از جمله مصادیق آن، خودارضایی می‌باشد و دامنه شمول آن، اندک می‌باشد و بیشترین دامنه عفت جنسی را در حیطه اجتماعی و در رابطه با افراد؛ اعم از هم جنس یا غیرهمجنس می‌دانند.

در مقایسه این دو گروه، می‌توان به گستردگی دامنه عفت جنسی از دیدگاه نخبگان حوزوی اشاره داشت که شامل تعداد زیادی از رفتارها اعم از فردی و اجتماعی شده و دامنه اخلاقی و رفتاری را شامل می‌شود و این در حالی است که مردم عادی جامعه، آن چیزی را بیشتر مصداق در قلمرو عفت جنسی محسوب می‌کنند که به سوی رابطه فیزیکی یا تعدی به حریم فیزیکی آن‌ها محسوب شود و به آنها آزار رسانده یا موجب

برهم خوردن امنیت آن‌ها شود. به عبارت دیگر، عملی که عرف اجتماعی آن را مورد پذیرش قرار داده و انجام آن را بی‌عفتی نمی‌داند (مانند: دست‌دادن با نامحرم یا پیدا بودن موی سر) مشروط به برقرار بودن عنصر رضایت طرف مقابل حمل بر بی‌عفتی و مغایر با عفت جنسی نمی‌دانند.

این در حالی است که علمای دینی معتقدند: به لحاظ مبانی اسلامی، عرف جایگاه چندانی ندارد و عرف به لحاظ عُرف‌بودن، مصالح را نمی‌سازد، بلکه عُرف، خود محصول تحولات اجتماعی است و سازنده آن نیست.

نتایج پژوهش در رابطه با پرسش سوم که به ذکر «مصادیق بی‌عفتی جنسی» از نظر دو گروه پرداخته است. یافته‌ها چنین نشان می‌دهد که مردم عادی، همانند دسته‌بندی عفت جنسی مصادیق را نیز دارای تنوع می‌دانند و معتقدند: کسانی که عفت را رعایت نمی‌کنند، از اعمال و رفتار مختلفی برای نشان دادن بی‌عفتی خود استفاده می‌کنند که می‌توان آن را در نگاه، کلام، ذهن، شنوایی، رفتارهای غیرارتباطی جنسی و رفتارهای ارتباطی جنسی خلاصه کرد. اما در میان این مصادیق، هرزگی در فضای مجازی نیز دارای انواع مختلف است. همچنین رابطه جنسی در گروه مردم عادی، در قالب ازدواج موقت، علی‌رغم حلال بودن اصل موضوع برای مردان متأهل، خیانت و در نتیجه فعل غیرعقیفانه تلقی می‌شود در حالی که نخبگان حوزوی چنین تلقی را از امر ازدواج موقت ندارند.

از نظر نخبگان حوزوی به‌طور کلی، می‌توان مصادیق عفت جنسی را در دو دسته؛ رفتارهای انفرادی و رفتارهای ارتباطی خلاصه نمود. در این دو دیدگاه؛ نکته قابل توجه، وجود دامنه وسیعی از مصداق‌ها می‌باشد که هر دو گروه از آن نام برده‌اند و در برخی موارد نیز مشترک هستند، اما برخی از مصادیق نام‌برده شده در گروه مردم در احادیث و منابع دینی دارای سبقه تاریخی نمی‌باشد و لذا این پرسش پیش خواهد آمد که آیا آنچه در شرع به‌عنوان مصداق عفت جنسی بیان شده است، حصری است و یا دارای مناسط مشخصی است تا با احصا آن‌ها و مناط‌گیری بتوان مصادیق آن را با جامعه امروزی و وسعت آن مقایسه نمود؟



## نتیجه گیری

مقاله حاضر با بررسی مبانی فقهی مرتبط و انجام تحقیق کیفی از روش تحلیل تماتیک، با تکنیک مصاحبه نیمه ساختاریافته از اطلاع رسانیان کلیدی مسلط بر موضوع عفت جنسی از منظر دین از یک سو و زنان و مردان جامعه (غیرحوزوی) از سوی دیگر، تا حد اشباع نظری انجام پذیرفته است. سپس با طی فرایند کُد گذاری باز، کُد گذاری محوری و کُد گذاری انتخابی، مفهوم عفت جنسی و حدود آن از دیدگاه قشر حوزوی و جامعه استخراج گردید.

بر اساس پژوهش حاضر، در بخش مربوط به پرسش اول؛ یعنی مفهوم عفت جنسی از دیدگاه مردم و نخبگان حوزوی بیشترین همگرایی وجود دارد. همچنین در تعیین قلمرو عفت جنسی؛ علی رغم همگرایی نسبی در بخش مصادیق نشان دهنده حدود عفت جنسی، وابستگی قلمرو عفت جنسی به دیدگاه عُرف و رضایت طرف مقابل هر دو از مباحثی بودند که بین دیدگاه نخبگان و مردم، واگرایی کاملاً مشهود است.

همچنین در بررسی پاسخ های داده شده به پرسش سوم؛ مبنی بر تشریح مصادیق بی عفتی جنسی، مشخص شد که از نقطه نظر هر دو گروه، عفت جنسی؛ یک بخش درونی و برونی دارد و از این حیث، همگرایی کامل برقرار است، اما در ذکر مصادیق برای تشریح هر دو مقوله یادشده، برخی از مصادیق از دیدگاه دو گروه در تعارض یکدیگر قرار دارند. برای مثال، خویشنداری نسبت به هر آنچه در عفت جنسی مقدمه حرام می تواند باشد، از دیدگاه بسیاری از نخبگان حوزوی باید وجود داشته باشد، اما چنین تفسیری در دیدگاه مردم از پشتوانه چندان محکمی برخوردار نیست. همچنین ازدواج موقت از طرف مردم به خصوص برای مردان متاهل، امری غیرعقیفانه تلقی می شود؛ در حالی که زاویه دید نخبگان حوزوی نسبت به موضوع در واگرایی کامل نسبت به دیدگاه مردمی قرار دارد.

## فهرست منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۹). بيروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. احمدی سلمانی، علی. (۱۳۸۴). عفت در قرآن و حدیث. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۳. اردبیلی، محمدعلی. (۱۳۸۲). حقوق جزا عمومی (ج ۱). تهران: نشر میزان.
۴. اکبری دستک، فیض‌اله. (۱۳۹۸). عفت، خاستگاه و گستره آن از نگاه قرآن و حدیث. نشریه سفینه، (۶۴)، صص ۷۲-۸۸.
۵. راغب اصفهانی، ابوالقاسم. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن (محقق: صفوان عدنان داوودی، الطبعة الاولى). بیروت: دار القلم.
۶. زارعی، محمد؛ چراغیان، حدیث. (۱۳۹۸). انقلاب جنسی و نهضت خودمهارگری در غرب. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. شیرازی، صدرالدین. (۱۳۸۹). الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه. قم: انتشارات مصطفوی.
۸. شیلت، وندی؛ لی دموس، نانسی. (۱۳۸۹). دختران به عفت روی می‌آورند (مترجم: سمانه مدنی و پریسا پورعلمداری). تهران: نشر معارف.
۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۹۲). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: مؤسسه انتشاراتی اسماعیلیان.
۱۰. عمید، حسن. (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی عمید. تهران: نشر امیرکبیر.
۱۱. فدایی، مهدی. (۱۳۹۷). استعمال «الفاظ جنسی» در سبک‌های ارتباط کلامی در محک اخلاق. پژوهش‌نامه سبک زندگی، (۶)، صص ۹-۲۳.
۱۲. فلسفی، محمدتقی. (۱۳۴۲). کودک از نظر وراثت و تربیت. تهران: هیأت نشر معارف اسلامی.
۱۳. فلیک، اووه. (۱۳۹۷). راهنمای روش تحقیق کیفی (مترجم: ستارمحمدی). تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۴. کرسول، جان. (۱۳۹۶). پوشش کیفی و طرح پژوهش (مترجمان: حسن دانایی‌فرد و حسین

کاظمی). تهران: انتشارات صفار.

۱۵. محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). روش تحقیق کیفی؛ ضدروش. تهران: نشر جامعه‌شناسان.

۱۶. مشکینی اردبیلی، علی. (۱۳۸۳). درس‌هایی از اخلاق (محقق: حسین استادولی). تهران: نشر الهادی.

۱۷. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۸. میرخانی، عزت‌السادات؛ صفایی، سعیده. (۱۳۹۳). جایگاه «عفت جنسی» در شریعت اسلامی و تأثیر آن بر تحکیم بنیان خانواده. نشریه زن و مطالعات خانواده، (۲۴)، صص ۱۲۵-۱۵۶.

## References

1. Ahmadi Salmani, A. (1384 AP). *Chastity in Quran and Hadith*. Tehran: Tarbiat Modares University. [In Persian]
2. Akbari Dastak, F. (1398 AP). Chastity, its origin and scope from the perspective of the Qur'an and Hadith. *Journal of Safineh*, (64), pp. 72-88. [In Persian]
3. Amid, H. (1381 AP). *Farhang Persian Amid*. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persian]
4. Ardabili, M. A. (1382 AP). *General criminal law* (vol. 1). Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
5. Cresswell, J. (1396 AP). *Qualitative scanning and research design* (H. Danaei Fard., & H. Kazemi, Trans.). Tehran: Saffar Publications. [In Persian]
6. Fadaei, M. (1397 AP). The use of "sexual words" in verbal communication styles in the moral test. *Journal of Lifestyle*, (6), pp. 9-23. [In Persian]
7. Falsafi, M. T. (1342 AP). *The child in terms of inheritance and upbringing*. Tehran: Islamic Education Publishing Board. [In Persian]
8. Flick, Ove. (1397 AP). *A Guide to Qualitative Research Methodology* (S. Mohammadi, Trans.). Tehran: Jame'eshenasan Publications. [In Persian]
9. Ibn Manzur, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab*. (Vol. 9). Beirut: Dar Al-Ihya Al-Torath Al-Arabi. [In Persian]
10. Meshkini Ardabili, A. (1383 AP). *Lessons from ethics* (H. Ostad Vali, Trans.). Tehran: Al-Hadi Publications. [In Persian]
11. Mirkhani, E., & Safaei, S. (1393 AP). The place of "sexual chastity" in Islamic law and its effect on strengthening the foundation of the family. *Journal of Women and Family Studies*, (24), pp. 125-156.
12. Mohammadpour, A. (1392 AP). *Qualitative research methods; Anti-method*. Tehran: Jame'eshenasan Publications.
13. Mustafavi, H. (1360 AP). *Research in the words of the Holy Quran*. Tehran: Book Translation and Publishing Company. [In Persian]
14. Ragheb Isfahani, A. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an*. (S. Adnan Davoodi, Ed. 1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Dar al-Qalam. [In Persian]
15. Schilt, W., & Lydomus, N. (1389 AP). *Girls turn to chastity*. (Madani, S., &

- Pouralamdari, P, Trans.). Tehran: Maaref Publications. [In Persian]
16. Shirazi, S. (1389 AP). *al-Hikmah al-Muta'aliyah fi al-Asfar al-Aqliyah al-Arba'ah*. Qom: Mostafavi Publications. [In Persian]
17. Tabatabaei, S. M. H. (1392 AP). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Ismailian Publishing Institute. [In Persian]
18. Zarei, M., & Cheraghian, H. (1398 AP). *The sexual revolution and the self-restraint movement in the West*. Qom: Research Institute for Hawzah and University. [In Persian]